



## یادداشت

دستبرد به سفره ها بجای تقویت قدرت خرید

صادق کار



فشار معیشتی و گسترش روز افزون اعتراضات معیشتی به چنان حدی از بحران رسیده است که باعث فراخواندن احمد میدری وزیر کار دولت که مسئولیت حذف یارانه دهک های اجتماعی ۷ تا ۱۰ و توزیع کالا برگ کالاهای خوراکی به وی سپرده شد گردید. میدری در گزارش خود ابتدا از شروع حذف تا ۲۷ میلیون نفر از یارانه بگیران به دستور مجلس گزارش داد و اعلام کرد که ماهانه ۳ میلیون نفر از یارانه بگیران را حذف خواهد کرد. یکی از روزنامه های طرفدار دولت نیز با ارائه آماری از حذف شماری از یارانه بگیران نوشت بیش از ۶ میلیون نفر را تا کنون دولت حذف کرده است. در حالی که میدری ادعا می کند تا کنون یارانه نقدی ثروتمندان را قطع کرده است، اما گزارشاتی منتشر شده نشان می دهد یارانه تعدادی از مزدبگیران را نیز حذف کرده و شکایات آنها بی جواب گذاشته است.

وزیر کار در پی این اعتراضات اعلام کرد یارانه خانواده هایی را که بیش از ۳۰ میلیون تومان درآمد ماهانه داشته باشند قطع خواهد کرد. این گفته با اعتراضات زیادی از جانب مردم و نیز طرفداران و حامیان خود دولت روبرو شد. و اعتراضات و اعتصابات گسترده ای را از جانب کارگران، پرستاران و بازنشستگان که خواست مشترک همه ی آنان افزایش دستمزد بود دنبال داشت. متعاقب این وقایع اداره آمار از افزایش بیش از ۵ درصد تورم ماهانه خبر داد خبر داد. و نوشت:

"تورم ماهانه خانوارها در مهرماه ۱۴۰۴ نیز برابر پنج درصد (۵.۰) درصد اعلام شد. گروه «خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات» با ۶.۴ درصد و گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» با ۴.۲ درصد، بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل تجربه کردند"

البته احضار میدری به مجلس یک اقدام ردگم کنی بود تا نمایندگان مجلس وانمود کنند که در گرانی و تورم و وخامت روز افزون وضعیت معیشتی مردم مجلس نقشی ندارد و مقصر وزیر کار است و نه حتی دولت.

اما کیست که نداند میدری همانطور که خودش هم گفت مجری مصوبه مجلس و حکومت است و از خودش اراده ای ندارد. عامل افزایش تورم و گرانی ها کل سیستم و نهادهای حکومتی هستند که با تحمیل سیاستهای ریاضت کشانه خود و اقداماتی مانند، قطع یارانه کالاهای اساسی، گران سازی خدمات و منجمد نگه داشتن دستمزدها این وضعیت را بوجود آورده اند. رسوایی مالی بانک غارتگر آینده که به گفته کارشناسان اقتصادی به تنهایی نرخ تورم را ۷ درصد بالا خواهد برد را نیز باید به حساب حکومت نوشت.



تعیین سقف ۳۰ میلیون برای پرداخت یارانه نقدی در شرایطی که هزینه یک خانوار ۳ تا ۴ نفره تا ۶۰ میلیون برآورد شده است، در واقع به گفته یکی از حامیان دولت و میدری زیر خط بقاست. در همین حال یکی از اعضای شوراهای اسلامی که چند هفته پیش علیه استیضاح میدری در مجلس به حمایت از او برخاسته بودند، دیروز ضمن انتقاد از تعیین سقف ۳۰ میلیون برای پرداخت یارانه از ثابت ماندن حق مسکن طی دو سال گذشته روی ۹۰۰ هزار تومان خبر داد و آن را با وجود سطح هزینه مسکن مسخره خواند. او همچنین از میدری بخاطر تعطیلی ۸ ماهه شورای عالی کار انتقاد کرد ولی نگفت اگر شوراهای اسلامی از عملکرد از میدری ناراضی هستند چرا کارزار حمایت از او راه می اندازند؟ بخاطر همین تناقضات است است که کسی انتقادات ظاهری این افراد را جدی نمی گیرد.

بهر حال همه ی شواهد و قرائن حاکی از آن هستند که حکومت و دولت نه تنها قادر به رفع بحران معیشتی نیست و خود را پاسخگو هم نمی داند، بلکه با قطع یارانه های نقدی و غیر نقدی، منجمد نگه داشتن دستمزدها و حذف مزایای مزدی سعی می کنند کسری هزینه ها و غارتگری های خود را با دستبرد به سفره های بی رونق کارگران و تهی دستان تامین کنند. این در حالی است که زمزمه گران کردن نان و سوخت و قطع ارز ۲۸ هزار پانصد تومانی ارز کالاهای اساسی که تورم و گرانی را باز هم بالا خواهد برد شنیده می شود.

با ادامه این روند هیچ بعید نیست که بتدریج ته مانده یارانه های نقدی و جنسی که خواست سرمایه داران و تجار بزرگ و حاکم است، به همان شیوه هایی که بیمه ها را برداشتند، دستمزدها را زیر خط بقا بردند، مزایای مزدی را قطع کردند، دارو را گران کردند، از میان برداشته شود. افزایش بیسابقه اعدام و سرکوب که برای ایجاد رعب مردم انجام می شود در خدمت پیشبرد این اعمال قرار دارد. با این همه مردم مرعوب این فضا نخواهند شد، همچنان که در فراگیر کردن مبارزه علیه حکم اعدام نشان دادند رفتار خواهند کرد و متوجه هستند که فشار اقتصادی و افزایش اعدام ها اجزای یک سیاست واحد هستند.

## اتحاد رمز پیروزی است!

## متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

سومین سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و یاد جان باختگان و آسیب دیدگان و زندانیان جنبش را گرامی می داریم و دست آوردهای انقلابی و مترقیانه آن را ارج می نهیم و خود را متعهد و مکلف به محافظت از دست آوردها آن می دانیم!

فقر: علل و چاره های آن

عبدالغنی فریندا، تنو مینگ تینگ، مجله بین المللی علوم انسانی و اجتماعی



## 2. تعریف و سنجش فقر

### 2.1 تعریف فقر

« گرفته paupertas» یا در لاتین «poverty» (در زبان انگلیسی) از کلمه فرانسوی قدیم «poverty» گرفته شده است. طبق فرهنگ لغت آکسفورد، فقر به معنای "وضعیت حاد ناداری و وضعیت قهقرائی از نظر کیفیت یا ناکافی بودن از نظر مقدار" است.

با این حال در این مقاله، تعریف سازمان ملل متحد و بانک جهانی از فقر استفاده شده است. در سال ۱۹۹۸ سازمان ملل متحد فقر را در بیانیه ای به عنوان نقض کرامت انسانی توصیف کرد که در آن انسانها از داشتن انتخابها و فرصتها محروم می‌شوند. بانک جهانی فقر را به عنوان محرومیت آشکار در رفاه، شامل عناصر و عوامل مختلف، تعریف می‌کند. افرادی که در فقر زندگی می‌کنند ممکن است درآمد پایینی داشته باشند و در نتیجه قادر به خرید کالاها و خدمات اساسی لازم برای بقا با کرامت نباشند. فقر، فقرا را به سطوح پایین سلامت و آموزش، فقدان آب پاک و بهداشت، ناامنی فیزیکی، فقدان حق اظهار نظر، و ظرفیت و فرصت ناکافی برای بهبود زندگی خود می‌کشانند.

تعریف دیگری از فقر که توسط «ارزیابی مشارکتی فقر» (Participatory Poverty Assessment, PPA) وابسته به بانک جهانی ارائه شده است، شامل دیدگاه خود افراد فقیر است. فقرا پنج دیدگاه را درباره فقر ارائه کرده اند:

1. فقر وضعیت پیچیده ای است و از اجزای متعددی از واقعیتها تشکیل شده است؛

2. فقر کمبود در نیاز اساسی انسان است، برای مثال غذا یا سرپناه؛

3. فقر منجر به استثمار فقرا می‌شود زیرا آنها صدایی ندارند، ناتوان و بدون استقلال اند. این امر منجر به تحقیر و گاهی اوقات رفتار غیرانسانی توسط دیگرانی می‌شود که قدرت و موقعیت دارند، هنگامی که فقرا برای درخواست کمک به آنان متوسل می‌شوند؛



۴. فقرا از زیرساختهای ضروری مانند آب پاک، امکانات بهداشتی و آموزش محروم اند. آموزش ارزش بسیاری دارد اما به زندگی فقرا بی ربط است، زیرا آنها بیشتر نگران محرومیت از نیازهای اساسی خود اند؛

۵. افراد فقیر بیشتر نگران چیزکی هستند که دارند، تا مثلاً اشتغال؛ و چون فاقد دارایی اند، در نتیجه آسیب پذیر نیز هستند.

## 2.2 سنجش فقر

طبق نظر بوث و لوکاس، سنجش فقر دارای اهمیت بسیار است زیرا شاخص آن، بر حسب سنجش صورت یافته، کمک خواهد کرد تا تعیین چه کسانی و بنابراین چه تعدادی فقیر اند. سنجش فقر موجب می شود گروه های مختلف فقرا شناسایی شوند، تا بر این پایه بتوان از رویکردهای متفاوتی برای کمک به آنان استفاده کرد. هاتون و خاندکر نیز، در همین راستا، اعلام کرده اند که دلایل اهمیت سنجش فقر از جمله عبارتند از حفظ مسئله فقر در دستور کار مقامات، شناسایی فقرا، و سرانجام اجرا، نظارت، ادامه و ارزیابی برنامه هایی که برای گروه های هدف مناسب اند.

به طور کلی روشهای مختلفی برای سنجش فقر وجود دارند. سامر فقرا را با نگاه کردن به توان اقتصادی و غیراقتصادی آنها متمایز می کند، در حالی که برخی دیگر به این نگاه می کنند که آیا فقرا در گروه فقر مطلق قرار می گیرند یا در گروه فقر نسبی. سنجش فقر توان اقتصادی مبتنی بر درآمد افراد را در نظر می گیرد. مزیت این سنجش این است که داده ها به سرعت قابل بازیابی، آسانتر قابل اندازه گیری اند و به طور کلی می توانند منظمأ به روزرسانی شوند. سنجش توان غیراقتصادی شاخصهائی نظیر آموزش، سلامت و تغذیه، محیط زیست و توانمندسازی و مشارکت در جامعه را در شامل می شود. این شاخصها برای ارزیابی از توان گروهی از مردم در یک روند بلندمدت قابل استفاده اند.

به طور خاص، فقر را می توان بیشتر به صورت مطلق و نسبی تعریف کرد. فقر مطلق به معنای فقدان توانایی برآوردن نیازهای اساسی انسان است، برای مثال غذا و سرپناه. شاخص آن یک معیار کمی به نام آستانه پولی است، مثلاً خط فقر یک دلار آمریکا در روز. فقر شدید ممکن است فقر مطلق نیز نامیده شود. گوردون و اسپیکر بر این نظر اند که فقر نسبی را باید به عنوان فقر از نظر نسبت آن با استانداردهای موجود در جای دیگری در یک جامعه وجود تعریف کرد. این کیفیت صرفاً به این معناست که یک نفر ممکن است فقیر محسوب شود اگر درآمد بسیار کمتری نسبت به افراد دیگر در منطقه سکونت خود داشته باشد، اما اگر با دیگران در جامعه ای دیگر مقایسه شود، ممکن است فقیر محسوب نشود. بنابراین، کمی کردن فقر نسبی آسان و بدون ریسک نیست.

**اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!**

**از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!**

**کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!**



اعتراضات صنفی و کارگری، چگونه انجام شود مفیدتر است؟

بهروز فدایی



با توجه به وضعیت کارگران ایران که از داشتن سندیکای سراسری محروم هستند، اکثرشان با قراردادهای موقت کار می کنند، امنیت شغلی ندارند، از حق اعتصاب و اعتراض محروم اند و اعتراضات شان سرکوب می شود، از حمایت های قانونی برخوردار نیستند، این سوال مطرح است که با کدام شیوه های مبارزاتی می توانند به حقوق و مطالبات شان برسند. استفاده از تجربیات مبارزاتی کارگران در کشورهای دیکتاتوری تا چه اندازه می تواند به آنها در این راه یاری رساند

اصول کلی قبل از هر چیز

1. مبارزه‌ی اثربخش در رژیم‌های سرکوبگر بر سه ستون استوار است: شبکه‌سازی/ ایجاد اعتماد متقابل، استفاده از «اهرم‌های راهبردی» (موقعیت‌هایی که تعطیلی یا اختلال آنها هزینه بالایی برای حکومت یا صاحبان سرمایه دارد)، و تحرک‌پذیری اجتماعی (همبستگی با گروه‌های دیگر: خانواده‌ها، معلمان، دانشجویان، کسبه، سندیکاهای بین‌المللی).
  2. اولویت همیشه با روش‌های مدنی و اجتناب از درگیری فیزیکی است — مطالعات طولانی نشان می‌دهد اعتراضات غیرخشونت‌آمیز احتمال موفقیت و مشروعیت بیشتری دارند و سرکوب را هم سخت‌تر می‌کنند.
  3. امنیت عملیاتی (حفاظت از هویت‌های رهبران/اعضا، دیجیتال‌هجین (رمزنگاری)، و تقسیم وظایف —
  4. هر چه ساختار متمرکزتر باشد امکان ضربه‌پذیری آن بیشتر است..
  5. صبر استراتژیک و مرحله‌بندی: از اقدام‌های کوچک و پیوستگی تا بالا رفتن سطح فشار.
- شیوه‌های مبارزاتی اثبات‌شده و مناسب (با مثال‌های تاریخی کوتاه)
- نکات زیر نمونه‌هایی از تجربه کشورهای «دیکتاتوری» و نیمه‌دیکتاتوری هستند؛ همراه با شرح منافع و (محدودیت‌ها)

اعتصابات پیوسته و هدفمند

ماهیت: اعتصابات کوتاه‌مدت اما هماهنگ در بخش‌هایی که حکومت یا اقتصاد را هدف می‌گیرند — مثلاً حمل‌ونقل، بنادر، پالایشگاه‌ها، خطوط تولید کلیدی



مزیت: هزینه سیاسی و اقتصادی بالا می‌رود؛ حکومت را در موقعیت دشوار قرار می‌دهد.

ریسک و مدیریت: بخش‌های حساس (مانند خدمات اورژانسی) را نشانه‌نگیرید تا روایت عمومی به نفع شما بماند؛ اعتصابات باید دقیق، غیرمتمرکز و بازگشت‌پذیر باشند تا رهبران را دستگیر نکنند.

مثال‌ها: اتحادیه «سولیدارنپ» در لهستان (۱۹۸۰-۱۹۸۹) از اعتصابات بنادر و کشتی‌سازی استفاده کرد تا فشار اقتصادی و سیاسی وارد کند؛ در مصر و تونس نیز اعتصابات کارگری نقش مهمی در سال‌های قبل و طی انقلاب‌ها داشت.

اعتصابات خودجوش و اعتراضات محل کار

ماهیت: بدون اعلام رسمی یا رهبری متمرکز؛ کارگران همان‌جا اقدام می‌کنند.

مزیت: سخت‌تر برای دولت در پیش‌بینی و سرکوب سراسری؛ اگر گسترده شود، می‌تواند زنجیره‌ای عمل کند.

ریسک: فردی و محلی ممکن است هدف‌گیری شود — بنابراین همبستگی محلی و صندوق‌های حمایتی لازم است.

کار به قانون و کندکاری

ماهیت: دقیقاً مقررات را اجرا می‌کنند و هرگونه «انعطاف» را کنار می‌گذارند یا عمداً سرعت کار را پایین می‌آورند.

مزیت: اختلال طولانی‌مدت ایجاد می‌کند اما کمتر به عنوان «اعتصاب» رسمی دیده می‌شود؛ حفظ وجهه حقوقی.

مثال: در برخی رژیم‌ها این شیوه باعث کندی عملیات و فشار کاری شد بدون اینکه فوراً دست به مقابله خشونت‌آمیز بزنند.

اقدامات نمادین و مردمی

مارش‌ها، روزهای «لباس سیاه»، تجمعات نمادین، بازخوانی قراردادهای و نمایش شهادت کارگران آسیب‌دیده.

مزیت: ایجاد همدلی عمومی و شکل‌دهی روایت رسانه‌ای. در رژیم‌های سرکوبگر، روایت‌سازی بین‌المللی مهم است.

شبکه‌سازی و ائتلاف سازی اجتماعی

ائتلاف با دانشجویان، معلمان، کارکنان بهداشت، روزنامه‌نگاران، کسبه محلی، و روشنفکران.

مثال: در کره جنوبی و لهستان، پیوندهای گسترده میان کارگران و دیگر طبقات باعث شد حرکت‌ها از یک خواسته صنفی به خواسته‌های دموکراتیک وسیع‌تر تبدیل شوند.

سندیکاهای موازی و تشکلهای شهروندی بدیل



اگر تشکیل سندیکای رسمی ممکن نیست، کنشگران یک «شبکه تشکیلاتی» افقی و مبتنی بر شعبه‌های کوچک ایجاد می‌کنند — نه با هدف ثبت قانونی بلافاصله، بلکه برای سازماندهی، آموزش، صندوق کمک و اطلاع‌رسانی.

مهم است که ساختار طوری باشد که سرکوب یک بخش کل شبکه را از کار نیندازد.

حمایت‌های بین‌المللی و فشار دیپلماتیک/اقتصادی

، تماس با فدراسیون‌های (ILO) مستندسازی نقض حقوق کار، ارسال گزارش به سازمان‌های بین‌المللی کار، و رسانه‌های بین‌المللی (ITUC مثل) بین‌المللی کارگری

مزیت: افزایش هزینه بین‌المللی برای سرکوب؛ در مواردی منجر به تحریم‌ها یا فشارهای سیاسی شده است.

محدودیت: دولت‌ها ممکن است از این به‌عنوان «مداخله خارجی» سوءاستفاده کنند—باید با احتیاط و شفاف انجام شود.

اقتصاد همبستگی/صندوق‌های حمایتی و متناسب‌سازی معیشت

ایجاد صندوق‌های حمایت مالی برای خانواده‌های کارگران معترض، یا شبکه‌های مبادله کالا/خدمات که فشار را کم می‌کند. این به حفظ پایداری حرکت کمک می‌کند.

مستندسازی دقیق و روایت‌سازی

فیلم، صوت، شهادت‌های مکتوب از تخلفات کارفرما یا نیروی انتظامی، جمع‌آوری مدارک پزشکی و حقوقی. مزیت: وقتی مستندسازی قوی باشد، امکان پیگیری قضایی، کمپین‌های رسانه‌ای و فشار بین‌المللی فراهم می‌شود.

راهبرد پیشنهادی مرحله‌ای (قابل تطبیق برای ایران)

1. تقویت شبکه‌های محلی: گروه‌های کوچک ۵-۱۵ نفری در هر محل کار با نقش‌های مشخص (ارتباطات، مستندسازی، صندوق، هماهنگی) — هر گروه مستقل اما مرتبط با بقیه.
2. آموزش و تمرین: آموزش حقوق کار، تکنیک‌های اعتراض غیرخشونت‌آمیز، دیجیتال، و حقوقی — حتی کلاس‌های مخفی یا آنلاین رمزگذاری‌شده.
3. ساختن روایت عمومی: مستندسازی موارد نقض، پخش داستان‌ها به شکل گام‌به‌گام در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های مستقل و از راه‌های امن.
4. استفاده از اهرم‌های راهبردی: شناسایی بخش‌هایی که با فشار مختصر و هدفمند بیشترین تأثیر را دارند و برنامه‌ریزی برای اعتصاب‌های کوتاه و هماهنگ (مثلاً چند ساعت یا یک روز) در این بخش‌ها.
5. مرحله افزایش: در صورت عدم پاسخ یا تشدید سرکوب، گسترش اعتصابات به بخش‌های همسو و افزایش حمایت‌های اجتماعی—همه این‌ها با حفظ قاعده نافرمانی مدنی منظم و عدم خشونت.



۶. پیوند با جامعه بین‌المللی: ارسال مستندات، درخواست پشتیبانی از اتحادیه‌های خارجی، و استفاده از فشارهای دیپلماتیک/اقتصادی به‌عنوان مکمل — نه جایگزین — اقدامات داخلی.

۷. تثبیت دستاوردها: هر پیروزی را قانونی/مادی تثبیت کنید (قرارداد، پرداخت عقب‌افتاده، آزادی زندانیان) و ساختارهای حفاظتی برای رهبران ایجاد کنید (چرخش مسئولیت‌ها، عجله در ثبت مستندات).

نکات امنیتی و اخلاقی حیاتی

هر توصیه‌ای که ارائه می‌شود صرفاً برای اقدامات غیرخوشونت‌آمیز است. نمی‌تواند راهنمایی برای اعمال خشونت یا فرار از قانون فراهم کرد

در محیط‌های سرکوبگر، افشای اطلاعات حساس (نام‌ها، شماره‌ها، محل سکونت) می‌تواند به دستگیری یا بدتر شدن وضع منجر شود — لذا دست به انتشار عمومی چنین اطلاعاتی نزنید

دیجیتال: از پیام‌رسان‌های رمزنگاری‌شده (با احتیاط، چون هیچ چیزی صددرصد امن نیست)، حذف متادیتا از فایل‌های تصویری قبل از اشتراک و آموزش به اعضا برای رفتار آنلاین محتاط استفاده کنید

چه چیزی از تجربه کشورهای به‌طور خاص به ایران شباهت دارد؟

لهستان/سولیدارنو موفقیت بلندمدت وقتی حاصل شد که جنبش کارگری توانست با دیگر نیروهای اجتماعی و طبقه متوسط ائتلاف بسازد و از اعتصابات استراتژیک (بندرها، کشتی‌سازی) استفاده کند

کره جنوبی: ترکیب کارگران، دانشجویان و روشنفکران در اعتراضات ۱۹۸۷ و بعدی‌ها نشان داد پیوند میان مطالبات اقتصادی و سیاسی کلید تغییر ساختاری است

مصر/تونس: جنبش‌های کارگری نقش مهمی در پیش‌گرم‌کردن افکار عمومی و ایجاد موجی کردند که پس از آن به اعتصابات و اعتراضات خیابانی گسترده ختم شد

کشورهای با سرکوب شدید (مثلاً برخی کشورهای آمریکای لاتین در دهه‌های گذشته): تا وقتی حمایت اجتماعی گسترده و فشارهای بین‌المللی نبود، دستاوردها ماندگار نشدند — یعنی ترکیب داخلی + خارجی مهم است

پیشنهادهای عملی کوتاه‌مدت (برای اجرا همین هفته‌ها/ماه‌های آینده)

تشکیل گروه‌های کوچک همبستگی کاری در هر محل کار (فهرست تماس امن، قوانین داخلی و یک صندوق اضطراری کوچک)

ضبط و نگهداری دقیق موارد اخراج‌های غیرقانونی، تهدیدات و ضرب‌وشتم (با حفظ امنیت هویتی) برای ارائه به نهادهای حقوق بشری



یک روز کار/اعتصاب نمادین هماهنگ — کوتاه و دقیق — در بخشی که منطقی و کم‌ریسک‌تر است (هدف: آزمون‌کردن توانایی هماهنگی و واکنش حکومت)

برقراری تماس با اتحادیه‌ها یا تشکلهای کارگری در دیاسپورا و فدراسیون‌های بین‌المللی جهت آماده‌سازی کانال گزارش‌دهی بین‌المللی

جمع‌بندی (چند جمله‌ای)

برای موفقیت در شرایطی مثل ایران لازم است ترکیبی از اقدامات خرد و کلان، شبکه‌سازی امن، اعتصابات هدفمند و ائتلاف‌سازی اجتماعی به کار رود — همه با محور غیبت خشونت و مدیریت ریسک. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تنها مبارزه صنفی محدود معمولاً کافی نیست؛ پیوند با حرکت‌های اجتماعی بزرگ‌تر، مستندسازی حرفه‌ای، و استفاده از اهرم‌های راهبردی اقتصادی و فشارهای بین‌المللی شانس موفقیت را به‌طور چشمگیری بالا می‌برد

چاره کارگران و مزد بگیران وحدت و تشکیلات مستقل است!

۶۰ درصد کارگران فاقد بیمه و محروم از بازنشستگی هستند

صادق



خبرگزاری تسنیم روز سه شنبه به نقل از یک گزارش وزارت کار از محرومیت حدود ۶۰ درصد از کارگران از تامین اجتماعی و بیمه خبر داد. البته این خبر چندان تازه نبود ولی از آنجا که می‌تواند تلنگری به این موضوع حیاتی وارد کند و عده‌ای را بفکر چاره بیندازد باز نشر آن حائز اهمیت و توجه است. دو روز بعد از انتشار این گزارش در تسنیم، روزنامه خبر آنلاین در ۸ مهر از قول وزیر بهداری نوشت



وزیر بهداشت گفت: حدود ۸۰ درصد جمعیت کشور تحت پوشش بیمه سلامت قرار دارند؛ از این تعداد، تنها "۲۰ درصد حق بیمه پرداخت می‌کنند و ۸۰ درصد باقی به صورت رایگان تحت پوشش هستند

اعلام این آمار که بعید است درست باشد، در واقع می‌تواند واکنشی در مقابل گزارش تسنیم برای کاستن از نگرانی ایجاد شده در اثر انتشار آمار تکان دهنده بیمه نبودن ۶۰ درصد از کارگران باشد

تکان دهنده از این نظر که ۶۰ درصد کارگران بر اساس این آمار زمانی که به سن بازنشستگی برسند بخاطر محرومیت از بیمه نه حقوق بازنشستگی دریافت خواهند کرد و نه از لحاظ دارو و درمان تامین اجتماعی مسئولیتی در قبال آنها به عهده خواهد گرفت. با این حساب این توده چند میلیونی اگر تا موقع بازنشستگی جان سالم بدر برند تکلیف شان با کرم الکاتبین خواهد بود و لا غیر

انتشار گزارش به هر دلیلی که انجام گرفته باشد در واقع هشدار است به جمعیت فاقد بیمه که تا پیر نشده‌اند و توش و توان کارکردن دارند بفکر چاره ای برای آینده تیره و تاری که رژیم اسلامی برایشان رقم زده باشند. گزارش وزیر درمان می‌خواهد به این جمعیت چند میلیونی القاء کند که نگران نباشند چون بعد از بازنشستگی بی حقوق به آنها لطف می‌کنند و تحت پوشش بیمه درمان قرار خواهند گرفت

اولا به این وعده سر خرمن نمی‌شود دل بست، دوما وقتی که به بیماران تحت پوشش بیمه که حق بیمه! شان را هر ماه از دستمزد هایشان کسر می‌کنند دارو و درمان کافی ارائه نمی‌کنند، چطور می‌شود انتظار داشت به کارگرانی که تحت پوشش بیمه نیستند دارو و درمان رایگان بدهند؟ اصلا لازم نیست روی آینده شرط بندی کرد همین الان نیز هر روزه شاهد اجتماع هزاران نفری هستیم که مقابل داروخانه در اعتراض به ندادن دارو و گرانی دارو تظاهرات می‌کنند. ۴۷ سال بعد از انقلابی که بنام محرومان انجام گرفت اینک بیش از نیمی از آنها حتی محروم از داشتن بیمه هستند. این در حالی است که در قانون اساسی خودشان و قانون کار بیمه و پوشش تامین اجتماعی حقی همگانی است. آنهایی هم که بیمه دارند و بازنشسته شده‌اند مگر نه این است که هر هفته خواستار بیمه رایگان می‌شوند. این وقایع توخالی بودن ادعای وزیر بهداشت و درمان حکومت را می‌رساند. البته این گروه از کارگران تنها از نداشتن بیمه نیست که بر خلاف میل خود از حق بیمه و حقوق بازنشستگی محروم شده‌اند، قانون حداقل دستمزد، مزایای مزدی، کمک هزینه مسکن و خیلی چیزهای دیگر نیز به آنها تعلق نمی‌گیرد

علت این که چرا ۶۰ درصد کارگران نه تنها از همه ی حقوقی که قانون کار برای آنها در نظر گرفته محروم اند و به سبب آن هم هنگام اشتغال و هم بعد از پیری از حقوق اولیه و انسانی خود محروم هستند، تغییر قانون کار به زیان حقوق کارگران و چشم بستن حکومت بر تخلفات کارفرمایان است که این شرایط ضد انسانی را بوجود آورده است. دست بر قضا یکی از کسانی که هم اکنون معاون اول پزشکيان است، و قبلا نیز معاون اول دولت خاتمی بوده، یعنی عارف با حذف کارگران کارگاه های ۱۰ نفره به پایین از شمول قانون کار شرایط برای این محرومیت را فراهم کرده است. بی جهت نیست که حضرت ایشان بابت چنین خوش خدمتی هایی دوباره به مقام معاون اول دولت پزشکيان رسیده است. برای آقای عارف مهم نیست که ۶۰ درصد کارگران را از داشتن بیمه و حقوق بازنشستگی محروم کند، مهم این است که بابت خوش خدمتی خود پاداشی می‌گیرد که برای تامین زندگی هفت جد اش در دوران بازنشستگی کفایت می‌کند. در میان این گروه بزرگ از کارگران غیر رسمی و محروم از حقوق اولیه قطعا افراد آگاه و توانای زیادی وجود دارند که بتوانند با متشکل کردن و سازماندهی اعتصاب و اعتراض این جمعیت بزرگ آنها را علیه این نظم جهمنی و ضد انسانی و کارگزاران آن که به هیچ چیز به غیر از کسب سود تا سر حد ممکن نمی‌اندیشند، بشوراند و به آن پایان



دهند. راه دیگری برای نجات از این جهنم جز متشکل شدن این جمعیت بزرگ تحت ستم برای خود رهایی وجود ندارد



دستگیری دو اقتصاد دان عدالتخواه، پرویز صدقات و محمد مالجو را محکوم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان هستیم

ماشین سرکوب همچنان بدون ترمز در حال جولان است و روزی نیست که به شب برسد و در آن روز عده زیادی از آزادیخواهان و کسانی را که برای عدالت در این حکومت عدالت ستیز مبارزه می کنند، به بند نکشند و عده‌ای را اعدام نکنند. روز دوشنبه ۱۲ مهر از دستگیری پرویز صدقات و محمد مالجو اطلاع پیدا کردیم. ما هنوز سبب این دستگیری‌ها را نمی دانیم، ولی حدس می زنیم علت بازداشت ناگهانی این دو بی ارتباط با نقد مقالات اخیر شان در مورد چپ ستیزی و نقد عملکرد ارتجاعی جریان موسوم به محور مقاومت نباشد. سرکوبگران با بازداشت عدالت خواهان می خواهند چپ ستیزان و عدالت ستیزان را تقویت و حمایت کنند و میدان را برای یکه تازی آنان خالی نگه دارند. امیدوارم عدالتخواهان به هر شکل که می توانند این بازداشتها را محکوم و برای آزادی پرویز صدقات و محمد مالجو که بواسطه عدالت خواهی شان بازداشت شده‌اند برای آزادی آنان تلاش و همت کنند

جمعی از کارگران عدالت و آزادیخواه



۱ - ابراز مخالفت شدید با طرح انتقال یا ادغام صندوق بازنشسته گی صنایع فولاد و معدن در صندوق بازنشسته گی کشوری.

۲ - تثبیت آیین نامه های داخلی صندوق بازنشسته گی فولاد و معدن و غیر قانونی بودن دستکاری و ایجاد تغییر در آن.

۳ - پیگیری معضل مرتفع نشده ی چند ساله ی همسان سازی مستمری بازنشسته گان فولاد و معدن به نسبت ۹۰ درصد دستمزد شاغلان همگروه.



در ساعت ۲۰/۱۰ آقای امامی اعلان کردند برای مذاکره بانمایندگان، ما را به کمیسیون اجتماعی مجلس ارجاع دادند.

ما مجلس را ترک کردیم چون خواهان مذاکره فقط با نمایندگان کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هستیم.

از این ساعت به بعد شعارهای مطرح شده ی پیشین

”فولادی، معدنی می میرد، ادغام نمی پذیرد“

”مجلس تصویب می کند، دولت حمایت می کند“

”همسان سازی حق مسلم ماست“

با شدت و هیجان بیشتری، سر داده می شد.

آقای محرابی از معدنکاران زیر آب، با بدست گرفتن بلندگو از سطح نازل خدمات صندوق بازنشستگی کشوری و نپذیرفتن انتقال یا ادغام صندوق بازنشسته گی فولاد و معدن در این صندوق، سخن راند.

حدود ساعت ۱۳ فولاد کاران خوزستان، که سختی پیمودن شبانه ی راه را متحمل شده بودند بدون بیان هیچ سخن و اعلان نظرهای خود، محوطه ی مجلس اسلامی را به قصد خوزستان ترک نمودند.

در ساعت ۴۰/۱۳ سه تن از نمایندگان حوزه ی مازندران به نام های دکتر کشوری عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، دکتر فاطمی و دکتر عباسی برای صحبت با معترضان وارد جمع آنان شدند.

پیش از این سه تن، آقای امامی مجدداً بر اجرایی شدن سه خواسته ی مطروحه در بالا، پافشاری نموده و عملکرد وزیر کار و تامین اجتماعی، آقای میدری را مورد نقد و ضد منافع کارگران و بازنشسته گان برشمرد.

پس از ایشان، آقای آزادی از بازنشسته گان معدن زیر آب، ضمن بیان درود به رهبر انقلاب! و خوش آمدگویی به نمایندگان استان مازندران که باعث احساسی شدن و تشویق بازنشسته گان مازندرانی شد، شروع به صحبت نمود.

ایشان با بر شمردن مراحل و سختی های اداری و وزارتی که صندوق بازنشسته گی فولاد و معدن تا کنون متحمل شده است و با بیان اینکه ادغام این صندوق در صندوق بازنشسته گی کشوری، به جز کاستن از حقوق بازنشسته گان این صندوق، هیچ پیامد مثبتی در بر ندارد، ادغام دو صندوق را غیر قانونی و ضد منافع بازنشسته گان فولاد و معدن ارزیابی کرد.

آقای آزادی، خواهان اقدام صریح و سریع کمیسیون اصل ۹۰ مجلس پیش از پایان فرصت دو ماهه ی تعیین و مصوب شده از سوی آقای عارف، معاون رئیس جمهور شد.

آقای دکتر فاطمی، نماینده مجلس با بیان اینکه در صورت مخالفت بازنشسته گان با چنین مصوبه ای، حتمن مجلس پیگیر رفع معضل شما بازنشسته گان عزیز خواهد بود، خواست بازنشسته گان را قانونی و قابل قبول برای طرح در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اعلان کرد.



آقای دکتر کشوری، نماینده ی عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، ضمن تایید خواست های معترضان، مراحل لازمه برای رسیدگی به این مطالبه ی صنفی را بر شمردند و اعلان نمودند که حتمن در هفته جاری با سایر نمایندگان کمیسیون اصل ۹۰، سایر عوامل ذیربط و نمایندگان شما بازنشسته گان، جلساتی را برگزار خواهیم نمود تا مطالبات شما محقق بشود.

آقای دکتر عباسی، از وظایف کلی مجلس در برابر ملت و پیگیری حقوق موکلان خود، داد سخن راند.

با اتمام سخنرانی نمایندگان مازندران، این نمایندگان مورد تشویق بازنشسته گان معدنکار مازندرانی، حتا ماچ و بوسه قرار گرفتند. برخی از بازنشسته گان با صدایی بغض آلود از نمایندگان خود تمنای کمک و پیگیری مشکل شان را داشتند.

با سخنرانی اختتامی دو تن از نمایندگان بازنشسته گان مطالبه گر و سه تن از نمایندگان مجلس اسلامی، تجمع مذکور در ساعت ۳۰/۱۴ به آرامی به پایان رسید و بازنشستگان، محوطه ی مجلس را به قصد عزیمت به شهرهای خود ترک کردند.

در حاشیه

معترضان قصد داشتند که تا زمان دریافت پاسخ مناسب از نمایندگان مجلس، چند بار خیابان خالی از رفت و آمد و اختصاصی مجلس را در رفت و برگشت و سر دادن شعارهای مطالبه گرانه طی کنند.

بار نخست، نیروی انتظامی قصد داشت که از این اقدام جلوگیری نماید ولی با هجوم آرام بازنشسته گان مواجه و قادر به مانع شدن نشدند.

چند دقیقه بعد با افزودن نیروهای پراکنده ی انتظامی و فشرده شدن صفوف آنان، موفق به جلوگیری از این راهپیمایی کوتاه مسیر شدند. در این مرحله، یکی از ماموران انتظامی با وارد نمودن لگد به شکم یکی از بازنشسته گان که قصد شکستن صف نیروی انتظامی را داشت مواجه شد. این اقدام خشن، باعث تحریک معترضان محاصره شده و سر دادن شعار علیه نیروی انتظامی شد.

”وحشیگری نیروی انتظامی، وحشیگری نیروی انتظامی“

”نیروی انتظامی برو دزدها را بگیر“

این اقدام خشن، موجب ایراد توهین های متداول و متعارف از سوی بازنشسته گان به نیروی انتظامی و فرمانده این عده یعنی سرهنگ منصور محمدپور شد.

هیجان مذکور به وساطت چند بازنشسته و سرهنگ نامبرده شده مرتفع شد ولی راهپیمایی تداوم پیدا نکرد. و بازنشستدگانه به جلوی در ورودی مجلس باز گردانده شدند.

از حضور یگان ویژه خبری نبود ولی عوامل لباس شخصی و اطلاعاتی با دوربین های فیلمبرداری در پشت سر نیروهای انتظامی و بطور پراکنده در بین مطالبه گران، حضوری چشمگیر داشتند.

دو سه تن از طراحان و منادیان شعار، توسط گواشی همراه، از سوی اداره اطلاعات تهدید به بازداشت شدند. این تماس مانع از تداوم شعار دهی از سوی بقیه ی بازنشسته گان نشد.



طی این مدت، بازنشسته گان خسته، خواب آلود و گرسنه، هریک با خرید مقداری نان، پنیر، بیسکویت، \* کیک و ساندویچ از مغازه های روبروی مجلس، صبحانه و نهار خود را صرف کردند

در زمان انتظار برای پاسخگویی، مطالبه گران بطور فردی یا گروهی در زیر درختان فضای سبز مقابل \* مجلس، بیتوته کرده و یا در خواب بودند

بر خلاف تجمع های پیشین همین مطالبه گران در برابر وزارت خانه تامین اجتماعی و یا ساختمان ریاست \* جمهوری در خیابان پاستور، هماهنگی های تدارکاتی برای خرید جمعی نان، آب خنک، تهیه ی چای، داروی فشار خون و ... صورت نگرفت

بنرها و تراکت ها بر خلاف سال ها پیش، حاوی هیچگونه ادای احترام به مسولان کشور نبود \*

چند خانم به شدت محجبه توسط یک نیروی اطلاعاتی تنومند به آرامی از میان جمعیت بیرون کشیده \* شدند و با تشر به آنان گفت

!مگر نگفتم بروید؟ کاری نکنید که به ضرر بستگان شما تمان شود! یالا بروید! زود

: یکی از خانم ها نامه ای را با خواهش و تمنا به او داد و گفت

خدا خیرت بدهد این نامه را به نمایندگان مجلس بده

فرد اطلاعاتی نامه را گرفت و بدون مطالعه در جیب گذاشت و سپس با خشم گفت

!برنگردید! دیگه بروید

: خانم ها کمی از جمعیت دور شدند. یکی از بازنشسته گان از ایشان پرسید

مشکل شما چیست؟

:یکی شان پاسخ داد

ما خانواده های زندانیان عادی در شرف اعدام هستیم که آمده ایم از نمایندگان مجلس کمک بخواهیم

:بازنشسته گفت

بروید وسط جمعیت و از آن ها کمک و همراهی طلب کنید

:پاسخ شنید

!اطلاعاتی ها نمی گذارند. مانند چند روز پیش با ما برخورد فیزیکی خشن می کنند

:فرد اطلاعاتی مذکور بازگشت و بر سر خانم ها فریاد کشید که

مگر نامه را ندادید؟ چرا نمی روید؟ هر چه دیدید از چشم خودتان خواهید دید

:سپس با اشاره ی دست و با لحنی خشن گفت



برای آخرین بار میگم بروید. به پیر مرد بازنشسته هم گفت  
!شما چکار به کار اینها دارید؟ بروید به کارگران ملحق بشوید! برو

یک نکته

در بین زنان و مردان بازنشسته ی صنایع فولاد، تعداد اندکی زن و مرد از بازنشسته گان تامین اجتماعی و فرهنگی مقیم تهران نیز حضور داشتند. همزمان همانند یکشنبه های هر هفته، تعدادی اندک از زنان و مردان بازنشسته ی تامین اجتماعی در مقابل وزارت خانه تامین اجتماعی، تجمع و اقدام به مطالبه گری نمودند

ارزیابی مختصر مطالبه گری طبقاتی کارگران در ایران و به وبه ویژه در تهران؛ \*

هزار بازنشسته ی تامین اجتماعی در تهران، طرح این پرسش ضروری به نظر می رسد با وجود بیش از ۲۵۰ که علت کمیت نازل آنها در تجمع های اعتراضی و یا در حمایت از سایر بازنشسته گان در چیست؟

بی شک عوامل متعددی در جاری بودن این معضل سهیم اند؛

وجود تشکیلات عریض و طویل، زرد و حکومتی یعنی "کانون بازنشسته گان" که در ازای دریافت هزینه ثبت نام بازنشسته گان و کسر در صدی از مستمری آنان، هیچ اقدام مهمی در جهت بهبود کیفیت معیشت اعضا به جز سفرهای زیارتی به مشهد! دریافت وام های معدود و محدود از بانک رفاه، عقد قرارداد با بیمه آتیه سازان که هم خدمات نازل ارائه می دهد و هم در باز پرداخت هزینه های درمانی، چه به لحاظ زمان پرداخت هزینه ها و چه در میزان پرداخت مبلغ هزینه شده، کارآیی لازم را ندارد، انجام نمی دهد

معلوم نیست که هزینه ی ثبت نام و کسر ماهانه از مستمری بازنشسته گان، صرف چه اموری به جز امور شخصی هیئت مدیره می شود؟

وجود پراکندگی و عدم اتفاق نظر و هماهنگی در مبارزه ی طبقاتی کارگران در بین تشکل های موجود، نه \*

تنها هیچ کمکی به ارتقا آگاهی طبقاتی کارگران و برپایی تجمع های اعتراضی نمی کند بلکه فقط ذهن این زحمتکشان را معطوف به مبارزه در فضای مجازی و نه حقیقی می کند

این خود نه باعث تسهیل مبارزه کارگران بلکه سنگ راه و عامل انحراف ذهنی و آشفتگی فکری طبقه کارگر می شود

سندیکا" انجام دهد، میزان "اگر مورد بالا را یک محفل کوچک و انگشت شمار تحت عنوان دهان پُر کن \*

انحراف و صدمه وارده به دانش و تجربه اندوزی و عدم برپایی برای تجمع های اعتراضی، صد چندان می شود

حرکت ضد کارگری و محفلی که چند شخص در پی نام و نشان با صدور انواع بیانه ها و اطلاعیه ها انجام می دهند

هوچی گری و های و هوی سندیکای جعلی "فلزکار مکانیک" که طی سال های گذشته حتا یک بار اقدام به تجمع اعتراضی و مطالبه گرانه در قد و قامت نه تنها نهاد سندیکا بلکه در حد اعضا یک کارگاه کوچک تولیدی، نیز نداشته است حکایت از عدم حضور فیزیکی آن در جامعه و پراتیک کارگری ایران دارد



این در حالی ست که بازنشسته گان فولاد و معدن از استراحت و خواب خود صرف نظر می کنند تا در روز موعود در تهران حضور داشته باشند ولی سندیکایی که مقرر آن در تهران است کمترین نمادی از کنشگری از خود نشان نمی دهد.

پاسدار از خون رفقای زحمتکش و بانیان این سندیکا مانند اسکندر صادقی نژاد در زمان دیکتاتوری پهلوی، بر دوش آگاهان و کنشگران سیاسی و کارگری است.

به امید پیگیری کنشگران طبقه کارگر ایران و سیاسیان متحد این طبقه در انکشاف معضلات و همچنین افشاگری های لازم برای پالایش این طبقه از ناپاکی ها

در حالیکه نوع پوشش زنان ایران و " سگ گردانی" از سوی حاکمیت، نه یک کنش مدنی بلکه سیاسی تلقی می شود قطعن هماهنگی های روزهای یکشنبه و حضور کارگران شهرستانی در تهران، نشان از کنشگری پیگیرترین و سیاسی ترین طبقه ی زحمتکشان ایران یعنی کارگران دارد

در پابان، ناگفته پیداست که تجمع های هماهنگ در سراسر ایران در یک ساعت و یک روز معین و همچنین حضور بازنشسته گانی از سراسر ایران در روز مذکور در تهران، نه خود بخودی و نه برخاسته از فلان بیانیه جریان سیاسی است.

این هماهنگی بی شک نشان از تشکیل یک جبهه ی کارگری و در تداوم آن نمودی از جبهه ی متحد مردمی است.

جبهه ای که علاوه بر کارگران و فرهنگیان تا فراگیر شدن و پیوستن زحمتکشان؛ کادر درمان، رانندگان، کسبه خرد و... را درازی در پیش دارد

ولی یک پدیده کاملن عیان است؛

جبهه وجود دارد. نفس می کشد. زنده است.

گزارش: قاسم مهرآور - ۵ آبان

منبع: اخبار روز

توجه: عکس مربوط به این تجمع نیست. نمادین و مربوط به تجمع بازنشستگان است



تجمع پرشکوه کارگران ارکان ثالث صنعت نفت در مقابل دفتر ریاست جمهوری



این تجمع با فرخوان قبلی کارگران ارکان ثالث نفت و با حضور بیش از هزار نفر از آنان که از نقاط مختلف کشور برای شرکت در تظاهرات مقابل نهاد ریاست جمهوری ۱۰ آبان به تهران آمده بودند برگزار شد. شرکت کنندگان اکثراً از فعالان حرکت‌های صنفی شرکت های نفتی پیمانکاری بودند.

کارگر داد بزن حق تو فریاد بزن

توپ تانک فشفشه پیمانکار حذف بشه

از شعارهای اصلی این تظاهرات بزرگ کارگری بودند که مقابل کاخ ستم ریاست جمهوری طنین انداز شد



۱۲ آبان: تجمع همکاران رسمی شرکت نفت فلات قاره منطقه لاوان

امروز دوازده آبان همکاران رسمی شرکت نفت فلات قاره منطقه لاوان برای پیگیری مطالبات خود تجمع اعتراضی بر پا کردند. در همین رابطه روز گذشته نیز این همکاران در منطقه سیری و خارک تجمع داشتند. خواسته‌های فوری همکاران رسمی عبارتند از:

۱- اصلاح پایه حقوق کارکنان حداقل بگیر

۲- حذف کامل سقف حقوق پرسنل عملیاتی

۳- برچیده شدن عنوان های ساختگی و جعلی به جهت تفکیک مشاغل مناطق عملیاتی

۴- پرداخت کامل پاداش سنوات بازنشستگی

۵- عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین موجود

۶- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن

۷- استقلال کامل صندوق بازنشستگی نفت

حذف\_سقف\_حقوق

حذف\_پیمانکاران

معیشت\_منزلت\_حق\_مسلم\_ماست#

اعتراضات\_سراسری\_نفت



## زن\_زندگی\_آزادی

### گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی



## بیانیه مشترک تشکل های مستقل

با تلاش و مبارزه مشترک، حکم اعدام #شریفه\_محمدی لغو شد.

روز چهارشنبه این خبر در صدر همه اخبار قرار گرفت. ۸ آبان وکیل شریفه محمدی اعلام کرد که حکم اعدام ایشان لغو شده و با یک درجه تخفیف به حبس درجه یک (سی سال) تغییر یافته است. رهایی شریفه از مرگ برای خانواده، دوستان، آزادیخواهان و توده های مردم مسرت بخش است. این خبر شادی جامعه را برانگیخته است. همچنانکه حکم اعدام (قتل حکومتی)، نفرت جامعه را علیه صادر کنندگان حکم بر می انگیزد. برخلاف تصور و انتظار بیهوده حاکمان و مسئولان قوه قضاییه که با اتهام و سناریوهای دروغین، تلاش می کنند طرفداران رهایی کارگران و زحمتکشان و مبارزان راه آزادی را به بند بکشند و با احکام ضد انسانی، فعالان کارگری را حذف فیزیکی نمایند، مردم زحمتکش و تمام انسان های شریف؛ فرزندان، بستگان، نزدیکان و همزمان خود را دوست دارند و از هیچ گونه حمایتی از آنان دریغ نمی کنند. همچنانکه دیدیم نزدیک به دوسال با اعتراضات، کمپین ها و مبارزات عملی و میدانی خواهان لغو اعدام و حمایت از شریفه محمدی شدند. اکنون این صدای متحد و حمایت ها به بار نشست و موجب لغو حکم ظالمانه اعدام شریفه گردید. ما لغو این حکم را به این زن مبارز و خانواده ایشان تبریک می گوئیم و باور داریم که هر اراده جمعی و همبستگی مردمی، قادر است مشکل ترین گره ها را باز کند و هر دیکتاتور را با هر هیبت و خشونت به عقب نشینی وادار کند.

پاس داشت این اتحاد و تجربه گران بها تداوم مبارزه و مقاومت تا لغو کامل مجازات اعدام و کنار زدن سایه سنگین این قتل های حکومتی از سر همه زندانیان و محکومان است. هم اکنون پخش عزیزی، وریشه مرادی و بسیاری از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی به این حکم ظالمانه و غیر انسانی محکوم شده اند و سایه اعدام بر سرشان سنگینی می کند. با عزم و اراده متحد خود از آنها دفاع کنیم و آرامش و لبخند را به آنها و خانواده اشان برگردانیم.

! لغو مجازات اعدام یک خواست عمومی است

! زنده باد آزادی



آبان ۱۴۰۴ ۱۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

گروه اتحاد بازنشستگان

**چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!**

**همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!**

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!**

**از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!**

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**